



۱۰

ماجرای یک پرونده پزشکی روی صحنه تئاتر



۱۱

از پخش گشت ۲ تا تحریم گشت ۱!

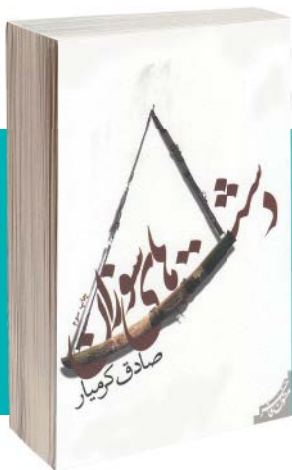


۱۲

روایت بچه محله امامزاده حسن(ع) از ظلم انگلیسی

فرهنگ

شنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۲۳



پشت صحنه

عجب جمعه‌ای!

دیروز به شکل عجیبی همه‌مان زود آمده بودیم روزنامه، گاهی پیش می‌آید که بشویم یکی بود، یکی نبود... یعنی یکی بیاید و دو نفر دیرتر، اما دیروز جمعه عجیبی بود که همه قبل از شروع ساعت کاری رسیدیم و مشغول کار شدیم. حالا خودتان ببینید چه جمعه خوبی بوده است. وقتی هم از اعضای گروه پرسیدم سوژه‌هایتان چیست، بی‌وقفه و به نوبت گفتند چه برنامه‌ای دارند و چه سوژه‌هایی را برای کار با دبیر گروه‌مان هماهنگ کرده‌اند.

محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری در سمناری که در شهر مشهد برگزار شده، درباره بازسازی سینماهای حوزه هنری صحبت کرده است. همکارانمان در گروه سینما به همین بهانه رفته‌اند سراغ عملکرد حوزه هنری در عرصه سینما و از تحریم برخی فیلم‌ها گرفته تا افزایش سینماهای حوزه هنری و وضعیت آنها را بررسی کرده‌اند. بخوانید و ببینید از نگاه همکارانمان حوزه هنری در عرصه سینما چه کرده است.

واقعۀ مسجد گوهرشاد را هم که به خاطر دارید؟ یکی از اتفاقات تاریخی که هرگز

از حافظه مردم ایران پاک نخواهد شد. همکارانمان در صفحه ۱۰ امروز رفته‌اند سراغ کتاب خوب «اوسنه گوهرشاد» نوشته سعید تشکری و واقعۀ گوهرشاد را در خلال داستانی که این نویسنده روایت کرده بررسی کرده‌اند.

البته این را هم بگویم که همین حالا نمایشنامه خواندنی «من سقراط مجروح را دوست دارم» از همین نویسنده کنار دستم است و می‌خواهم بخوانمش. فرصت را غنیمت می‌دانم و خواندن این کتاب را هم به شما توصیه می‌کنم.

در همین صفحه‌ای هم که در حال خواندنش هستید زینب مرتضایی‌فرد رفته سراغ تکه‌آهنگ‌هایی که بهار امسال منتشر شده‌اند و آنها را با تعداد منتشر شده در سه ماهه بهار سال گذشته مقایسه کرده است. او همچنین در گزارش خود به دلایل افزایش تکه‌آهنگ طی سال‌های گذشته پرداخته است.

امروز در صفحه ۱۲ رفته‌ایم سراغ یک داستان خواندنی از صادق کرمیار. «دشت‌های سوزان» را که خوانده باشید، حتما می‌دانید چه ریتم خوب و روانی دارد و تا چه اندازه در مخاطب خود اثر می‌گذارد.

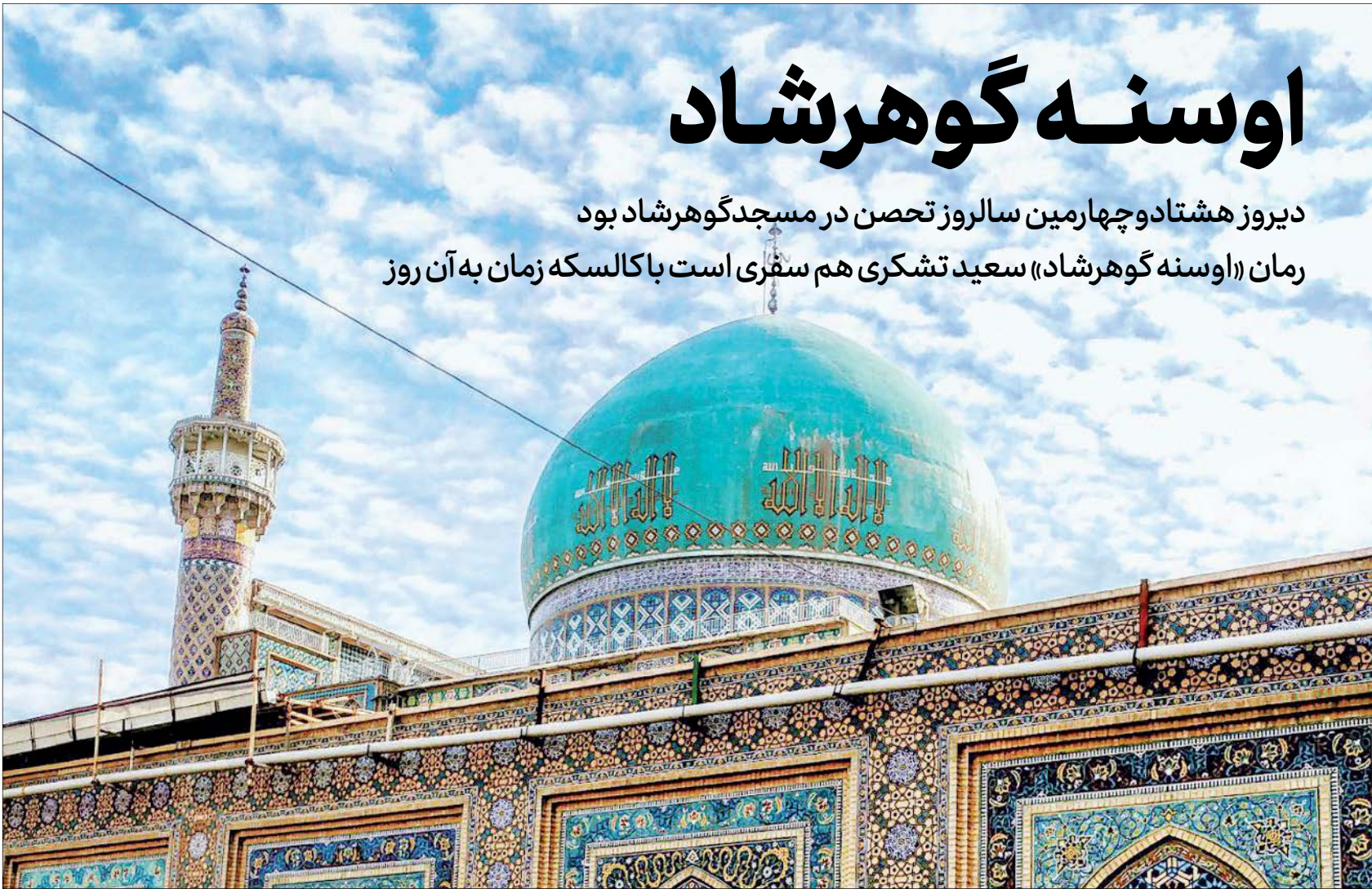
یکی از آن داستان‌های ضداستعماری که ته نشین می‌شود در جان آدم و همه جا و همیشه همراهی‌اش می‌کند. در این کتاب استعمار پیر همین بریتانیای کبیر چه‌ها که نمی‌کند و کرمیار چه خوب روایت می‌کند دخالت‌ها و به‌قول معروف موش دواندن‌های انگلیسی‌ها در ایران را. به بهانه کنفرانس خبری سفیر انگلیس که البته از اساس هیچ رگه‌ای از دموکراسی در آن دیده نمی‌شود و همچنین توقیف تفککش ایرانی توسط این کشور رفته‌ایم سراغ «دشت‌های سوزان». بخوانید و ببینید چه خبر است.



اوسنه گوهرشاد

دیروز هشتاد و چهارمین سالروز تحصن در مسجد گوهرشاد بود

رمان «اوسنه گوهرشاد» سعید تشکری هم سفری است با کالسکه زمان به آن روز



تعداد تکه‌آهنگ‌های منتشر در بهار امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشدی ۲ برابری داشته، هر چند با وجود این رشد تقریباً چیزی از این تکه‌آهنگ‌ها در ذهن مردم باقی نمانده است

کدومش رو یادتونه؟



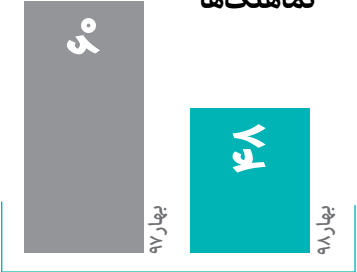
زینب مرتضایی‌فرد
ادبیات و هنر

زمانی آلبوم‌ها یک‌ه‌تاز عرصه موسیقی بودند. مخاطبان و علاقه‌مندان یک خواننده یا هنرمند ماه‌ها منتظر می‌ماندند تا آلبوم تازه‌اش به بازار بیاید و چند صبح‌ای بشود همدمشان. حالا اما معادلات جهان همان‌طور که در دیگر عرصه‌ها عوض شده، در عالم موسیقی هم تغییرات عمده‌ای داشته است، یعنی همان‌طور که صفحه‌کوش دادن به خاطره‌ها پیوست و نوار کاست جایش را گرفت، همان‌طور که بعدتر سی‌دی‌های موسیقی نوار کاست را از رده خارج کردند و تا مدت‌ها یک‌ه‌تاز عالم موسیقی بودند، و همان‌طور که بعدتر ش‌ یعنی همین دوره‌ای که در آن هستیم رادیوهای اینترنتی و نرم‌افزارهای موسیقی جای همه ابزارهای قبلی را گرفتند، حالا ما چرا شکل دیگری هم به خود گرفته است. البته ماجرا این نیست که بگویم دیگر کسی آلبوم موسیقی نمی‌خرد یا منتظر آلبوم خواننده مورد علاقه‌اش نیست، اما حالا در عصر سرعت نه خواننده‌ها چندین و چند ماه در سکوت می‌مانند و نه مخاطبان به اندازه قبل حوصله‌اش را دارند که منتظر آلبوم همان یک نفر بمانند. کلی انتخاب دیگر دارند و موسیقی در سراسر دنیا به‌طور روزانه تولید می‌شود و با فضای مجازی و رادیوهای اینترنتی خیلی زود به گوش مخاطبان می‌رسد. این روند هم در همه دنیا و ایران طبعاً شرایطی را ایجاد کرده که انتشار تکه‌آهنگ‌ها بشود یک اتفاق عادی و همه‌گیر در عالم موسیقی. اتفاقی که طی آن خواننده‌ها ارتباط خود را با مخاطب حفظ می‌کنند و آنها را تا زمان انتشار آلبوم و برگزاری کنسرت با خود همراه نگه می‌دارند.

چه خبر از نماهنگ‌ها؟

نماهنگ‌ها هم طی آمارهایی که ارائه می‌شود همیشه رو به رشد بوده‌اند، بهار امسال اما ماجرا شکل دیگری به خود گرفته است. بهار پارسال ۶۰ نماهنگ و بهار امسال ۴۸ نماهنگ مجوز گرفته و منتشر شده‌اند. بخش عمده این افت را می‌توان در این موضوع دانست که نماهنگ‌ها هنوز آن‌طور که باید نتوانسته‌اند به رسانه‌های مهمی چون تلویزیون برای انتشار خود وارد شوند. البته باید گفت چه حیف... نماهنگ می‌تواند یکی از موثرترین رسانه‌ها باشد و اگر شرایط برای همکاری‌های بهتر و بیشتر میان گروه‌های موسیقی و رسانه‌های تصویری تأثیرگذار برقرار شود، نماهنگ می‌تواند خودش بشود یک ابزار تأثیرگذار و فرهنگ ساز.

نماهنگ‌ها



تکه‌آهنگ منتشرشده



حرکت لاک‌پشتی کتاب‌های صوتی

کتاب‌های صوتی هم حالا دارند مخاطبان خود را کم‌کم پیدا می‌کنند. هم یک نرم‌افزار مستقل دارند و هم در نرم‌افزارهای کتاب حضور پررنگی دارند. ضمن این‌که طور فیزیکی هم ارائه می‌شوند و در کتابفروشی‌ها و فروشگاه‌های موسیقی در دسترس مخاطبان هستند. با این همه اما نسبت به بهار سال گذشته رشد چندانی را تجربه نکرده‌اند. در سه ماهه نخست امسال مجوز ۳۱ کتاب گویا مجوز گرفته‌اند و در مدت مشابه سال گذشته ۲۶ کتاب. هر چند تغییر چندانی نیست، اما می‌توانیم بگویم این محصولات لاک‌پشتی و آرام مسیر خود را می‌روند.

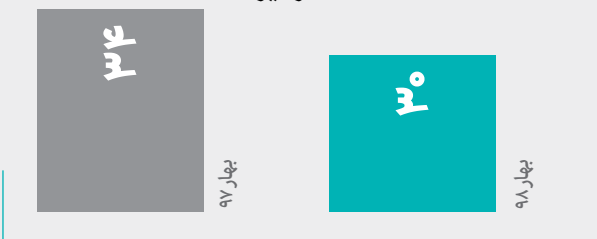
کتاب‌های صوتی



باز هم حرکت لاک‌پشتی

پارسال بهار ۳۴ استودیوی صداپردازی و امسال ۳۰ استودیو مجوز گرفته‌اند. هر چند این آمار هم تغییر چندانی ندارد اما باید گفت کاش دفتر موسیقی که متولی امر است، فکری هم به حال اوضاع دشوار صداپردازی در ایران می‌کرد و در کنار شکل‌گیری این استودیوها صداپردازی هم پیشرفت بیشتر و بهتری را پشت سر می‌گذاشت.

استودیوها



باز هم برویم سراغ تکه‌آهنگ

در بهار که سه ماه دارد و هر ماه ۳۱ روز، روزانه پنج قطعه موسیقی منتشر شده، اما حالا از خودمان و خودتان می‌پرسیم چند قطعه از این تکه‌آهنگ‌ها را به خاطر دارید؟ مطمئنیم جواب اغلب افراد این است که هیچ کدام. یعنی سرعت جای همه چیز را گرفته و دیگر خبری نیست از این‌که خواننده و مخاطب هیچ‌کدام دنبال این باشد که موسیقی در ذهنش ته‌نشین و ماندگار شود. حالا به نظر شما این اتفاق خوب است؟ پاسخش بماند با خودتان.

یادداشت

محسن خیابانی
فعال رسانه‌ای

نگاهی به کتاب «رمق» نوشته مجید اسطیری

فوتبال

با طعم مبارزه

بازی‌های جام ملت‌های آسیا در سال ۱۳۴۷، نخستین حضور و نخستین قهرمانی از سه قهرمانی متوالی تیم ملی فوتبال کشورمان در این دسته از رقابت‌هاست. مجید اسطیری در قالب رمان «رمق» تلاش داشته در کنار نگاهی به این رویداد مهم تاریخ ورزش کشورمان، شرایط اجتماعی و مبارزات مردمی آن دوره را در دل روایتی جذاب به رشته تحریر درآورد. داستان در ورزشگاه امجدیه و از اولین بازی این رقابت‌ها که پیروزی ۲ بر صفر ایران بر هنگ‌کنگ را در پی داشت، آغاز می‌شود و با آخرین بازی که به قهرمانی ایران - بعد از غلبه دو بر یک در مقابل رژیم اشغالگر قدس - منجر می‌شود، پایان می‌یابد، ولی این بار آمیخته با شادی‌ها و مبارزات مردمی در دل خیابان‌ها.

برد ایران در برابر رژیم اشغالگر قدس از دو جنبه در تاریخ کشورمان واجد اهمیت است یکی آن‌که به نخستین قهرمانی ایران در «جام ملت‌های آسیا» منجر شد و این موفقیت پیگیری رقابت‌های فوتبال بین ایرانیان را وارد مرحله‌ای تازه کرد و دیگر آن‌که در آن زمان نیز عموم مردم ایران از روابط دوستانه محمدرضا پهلوی با اسرائیل ناراضی بودند و این برد کمک کرد تا بتوانند شادی‌شان را با مبارزاتی که علیه رژیم شاه داشتند درهم آمیزند.

نام داستان هم با مسابقات فوتبالی که در بطن روایتش قرار گرفته تناسب دارد و هم اشاره‌ای است به دردی که شخصیت اصلی آن رؤف، گاهی در بازوهایش احساس می‌کند و باعث آفت عملکرد حرکتی‌اش می‌شود. نویسنده به‌جای انتخاب شخصیت اصلی از دل مبارزان کاربلد آن دوران، فردی با گرایشات متضاد فکری و از طبقه فرودست جامعه را انتخاب کرده و همین کمکی بوده تا تصویری کامل‌تر از زمانه رخدادهای قصه برای خواننده بازمانی شود.

این شخصیت از یک سو دوستانی مسجدی دارد و خودش نیز واجد غلقه‌هایی مذهبی است و از سوی دیگر رفیقی هیپی با گرایشات نه چندان دین‌مدارانه دارد. این شخصیت غیرکلیشه‌ای واجد ظرایفی است که از جنبه‌های مختلف باعث غنای اثر شده‌اند.

مثلاً در همان صفحه ابتدایی مشخص می‌شود دلیل علاقه رؤف به حضور در امجدیه این است که علاوه بر لذتش از تماشای فوتبال، آنجا امکانی خوب برای خلوت کردن می‌بیند!

ادامه در صفحه ۱۰

